

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۹ جولای ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۳۲۸

مُلحدنامه

— ۹۴ —

صالح طالع^۱ ای، که خاک ترا
توئی آن قَلتبان، که نشناسی
توئی آن زن جلب، که نستانی
از طمع نفع خویشان شمردی
مال من لقمه ای ست، شیرافگن
گر نه از نام و ننگ سیر شدی
ای به سوی زنت دوان فُساق^۴
کرده گیتی به آب جهل خمیر
روبه از گرگ و شیر از نخجیر
صد ورق شعر را، به نیم اشعیر
گر کسی افگند به سوی تو، تیر
نیست در خورد حلق روبه پیر^۳
چیست در دادن این همه تأخیر
همچو موشان دوان به سوی پَییر

۱ - "طالع": بر وزن "صالح" و به معنی، مقابل و متضاد "صالح"
۲ - "شعیر" (بر وزن "فقیر و فطیر"): کلمه عربی و در معنای "جو"
۳ - ب: چه گمان کرده ای تو روبه پیر؟
۴ - "فساق" (به ضم اول و تشدید سین): کلمه عربی و جمع "فاسق"

در گلوی تو نان حرام، چون خون
از تو امروز هرچه می‌آید
باش تا خیزد از ره کابل
آتشی افگم به خرمن تو
که رسد شعله اش، به چرخِ ائیر
که شود گوش چرخ پر ز نفیر
عبرت خلق از صغیر و کبیر
تن شومت دریـده باد، به تیر

* * *

^۵ - الف: همچو موشان دزد سوی پنیر
^۶ - مراد از "شهزاده سپهر سریر" همانا "شهزاده محمود ابدالی" پسر "تیمور شاه ابدالی" ست، که حامی شاعر بود